

## نگاهی به تاریخ جهان از دید دانشمندی مسلمان

سید علی آل داود

نظام التواریخ، قاضی ناصرالدین بیضاوی، به کوشش میرهاشم محدث، انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران ۱۳۸۲ (چاپ جدید)، بیست و هشت + ۱۶۵ صفحه.

تاریخ‌نگاری و اطلاع بر سرگذشت جهان در دنیای اسلامی تا پیش از نگارش تاریخ الامم و الملوک تألیف محمد بن جریر طبری (وفات: ۳۱۰) رونق و رواج نداشت؛ آنچه بود پاره‌ای قصه‌ها و داستان‌های تاریخی مندرج در داستان‌های پیامبران و بیشتر آنها فاقد مأخذ متقن بود. از آن پس، طبری تاریخ جهان را بر مبنای روایات و احادیث اسلامی و برخی اطلاعات و یافته‌ها از منابع دیگر تدوین و تکمیل کرد و رشته حوادث را تا سال ۳۰۲ هجری گزارش داد. در ادوار بعد، به تقلید از او، تواریخ متعددی در شرح حوادث جهان از روزگار آفرینش آدم تا عصر مؤلفان به زبان عربی پدید آمد. اما، در زبان فارسی، نخستین اثر ترجمه همان تاریخ طبری بود که، چند دهه پس از تألیف آن، در عصر سامانیان، به تشویق و نظارت و سردبیری ابوعلی بلعمی، وزیر دانشمند، به پارسی درآمد. این ترجمه جزو کهن‌ترین آثار به جامانده زبان پارسی است اما نسخه خطی متعدد آن دستخوش تغییراتی گشته و تا کنون دست‌نویس‌های کهن آن به گونه‌ای دقیق شناسایی نشده است.

پس از ترجمه تاریخ طبری، چند اثر دیگر در تاریخ عمومی به زبان فارسی نوشته شد. در شمار این تألیفات و یکی از مشهورترین آنها نظام التواریخ اثر قاضی بیضاوی، دانشمند

و مفسّر و متکلم معروف شافعی مذهب قرن هفتم هجری است. مؤلف نظام التواریخ، قاضی عبدالله بن عمر بن محمد مشهور به ناصرالدین بیضاوی از قضات و فقهای معروف فارس و مفسّر و متکلم اشعری، در اوایل قرن هفتم در بیضاوی فارس متولد شد. خاندان او همگی از بزرگان و ناموران عصر خود بودند و وی، در چند جای نظام التواریخ، به نام و مقام و مرتبت علمی و اجتماعی آنان اشاره کرده است. پدرش، امامالدین عمر بن محمد بیضاوی، قاضی القضاة شیراز در عهد ابوبکر بن سعد سلغری بود و قاضی نخست نزد پدر درس خواند و به تدریج به تکمیل معلومات خود پرداخت. او، در سالهای نخست زندگی، در شیراز به سر می برد، سپس در تبریز رحل اقامت افکند و در همان جا به سال ۶۸۵ درگذشت. اما برخی دیگر وفات او را در بین سالهای ۷۰۸ تا ۷۱۹ ذکر کرده اند. تفصیل احوال وی در بیشتر کتب تاریخی و رجال از جمله شدّ الازار، تاریخ گزیده، حیب السیر و منابع دیگر آمده است.

از قاضی بیضاوی تألیفات متعددی در منطق، فقه، اصول فقه، تفسیر قرآن، کلام و عقاید و تاریخ بر جای مانده؛ اما مشهورترین اثر وی در تفسیر قرآن، موسوم به انوار التنزیل و اسرار التأویل، معروف به تفسیر بیضاوی است و بیشتر شهرت مؤلف مرهون همین اثر اوست. جز آن، از وی کتابهای دیگر چون غایة القصوی، شرح مصابیح، منهاج، طالع، مطالع و چند اثر دیگر باقی مانده است. کثرت تألیفات او در رشته های گوناگون نمودار دانش فراگیر و دایرة المعارفی اوست. با آنکه آثار او را نمی توان در زمره تألیفات اصیل به شمار آورد و او بیشتر مطالب را از منابع پیش از خود برگرفته، و از آنها الهام یافته، اما در تلخیص مطالب و تألیف آنها با سبکی نو و تازه نهایت استادی را به کار برده است.

نوشته ها و آثار متعدد بیضاوی همه به زبان عربی است. فقط اثر تاریخی او یعنی نظام التواریخ به فارسی نگارش شده است. قصد او از تألیف این اثر موجز تدوین خلاصه ای از تاریخ جهان از آفرینش آدم تا روزگار مؤلف به زبانی ساده برای استفاده عموم بوده است، بی آنکه قصد تفحص یا ادّعی تحقیق داشته باشد. وی تألیف این کتاب را در ۲۱ محرم سال ۶۷۴ به پایان رساند و آن را به خواجه شمس الدین صاحب دیوان جوینی تقدیم داشت.

نظام التواریخ حاوی یک مقدمه و چهار قسم به این شرح است: قسم اول در احوال انبیا و اوصیا و علما و حکما؛ قسم دوم در ذکر پادشاهان ایران قبل از اسلام و انبیا و علما؛ قسم

سوم در ذکر خلفای راشدین، عباسیان و امویان؛ قسم چهارم سلاطین و پادشاهان ایران پس از اسلام از صفاریان تا مغول. قاضی بیضاوی، هرچند در سال ۶۷۴ تألیف اثر خود را به پایان رساند، پس از آن، گزارش وقایع تاریخی تا سال ۶۸۳ را به آن افزود، پس از وی، کسان دیگری به تکمیل آن همت گماشتند؛ چنان که در یک نسخه خطی نظام التواریخ موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نقل حوادث تا سال ۶۹۴ (سال وفات غازان خان) و در نسخه‌ای دیگر تا ۷۳۶ (سال وفات سلطان ابوسعید) و باز در دست‌نویسی دیگر محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۲۱۴۴/۱۵ تا ۹۴۰ (عصر شاه‌طهماسب صفوی) ادامه پیدا کرده است.

اما محتویات این کتاب، به نظر برخی همچون کاترمر<sup>۱</sup>، حاوی مطالب سطحی و بی‌عمق و تقریباً فاقد اطلاعات تازه است. مع هذا، استقبال وسیع از این اثر، که خلاصه‌ای فشرده از تاریخ جهان به روایت مورخان است، و تهیه نسخ خطی متعدد از آن نمودار آن است که کثیری از اهل کتاب و علاقه‌مندان به موضوعات تاریخی از آن، به عنوان یک مرجع دم‌دستی استفاده می‌کرده‌اند. نثر آن هم ساده و روان و بی‌تکلف است و شاید دلیل عمده رواج آن بین مردم و کثرت دست‌نویس‌های آن همین سادگی و روانی زبان بوده باشد.

از نظام التواریخ نسخ خطی متعددی در دست است. احمد منزوی، در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۲۷ دست‌نویس را معرفی کرده و سپس در فهرس دیگر خود شمار بیشتری از آنها را، که بیشتر در هند و پاکستان نگهداری می‌شوند، شناسانده است. در سال‌های اخیر، کتابخانه مجلس مجموعه‌ی پرازشی را خریداری کرد که اخیراً با نام سفینه تبریز به صورت عکسی منتشر شده و بخشی از آن حاوی نظام التواریخ است، که در حدود سال‌های ۷۲۱ الی ۷۲۳ کتابت شده و از جمله نسخ با ارزش این کتاب است، و مصحح چاپ حاضر از این دست‌نویس هم بهره برده و متن فراهم‌آورده خود را با آن مقابله کرده است.

از نظام التواریخ سه ترجمه به زبان ترکی در دست است: ترجمه ابوالفضل محمد دفتری بدلیسی (وفات: ۹۸۷)؛ ترجمه مصطفی بن عبدالرحمان (در حدود ۱۰۰۳)؛

(۱) ← منوچهر مرتضوی، مسائل عصر ایلخانان، ص ۳۸۴ به بعد.

مترجم سومین ترجمه شناخته نشده است. بخشی از این کتاب نیز به زبان انگلیسی ترجمه شده اما تا کنون به چاپ نرسیده است.

متن فارسی نظام التواریخ نخستین بار در سال ۱۳۴۹ق در حیدرآباد، همراه با توضیحاتی به زبان اردو، به قلم سید منصور، به چاپ رسیده است. چند سال بعد، چاپ دیگر آن، به اهتمام روان شاد دکتر بهمن کریمی، در سال ۱۳۱۳ش در تهران انتشار یافت. اخیراً چاپ سوم این اثر به همت میرهاشم محدث، بر اساس شش نسخه خطی و مقابله آنها با هم، انتشار پیدا کرده است. مصحح از جمله نسخه موجود در سفینه تبریز را در اختیار داشته و به جز آن از پنج دست‌نویس دیگر به شرح زیر بهره برده است: نسخه کتابخانه بادلیان که در همان سال تألیف، یعنی ۶۷۴، کتابت شده و فیلم آن در دانشگاه تهران موجود است؛ نسخه ۲۱۱۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مورخ جمادی‌الاول ۷۳۷؛ نسخه شماره ۳۶۰۵ کتابخانه ایاصوفیا مورخ رجب ۷۴۸؛ نسخه شماره ۵۳۵۲ دانشگاه تهران مورخ ۱۱۰۱ (این نسخه اضافاتی دارد و حوادث تاریخی تا سال ۶۹۴ در آن آمده اما مصحح از درج اضافات خودداری کرده است)؛ نسخه شماره ۱۱۷ کتابخانه ملی پاریس که تاریخ کتابت ندارد.

مصحح، در تصحیح این کتاب، زحمت بسیار کشیده، آن را با شش نسخه خطی مقابله کرده و مقدمه و چند فهرست قابل استفاده بر آن افزوده است. اما بهتر بود که ذیل‌های دیگران را به کتاب خود، طی فصل جداگانه‌ای، می‌افزود تا به این ترتیب این اطلاعات تاریخی، که ممکن است حاوی مطالب گران‌بهایی باشد، به صورت چاپی درمی‌آمد. جای آن دارد که هنگام تجدید چاپ به این نکته عنایت و به خصوص ذیلی که تا عصر شاه طهماسب را دربر گرفته به چاپ دیگر کتاب ملحق شود.

